



قرآن کریم (اتحاد و انسجام اسلامی)

وحدت اسلامی آرمان انبیا الهی

مصاحبه با حجة الاسلام و المسلمین
سید حسین بهشتی نژاد

آیا وحدت اسلامی یک آرمان دینی است؟

آری وحدت یک اصل ابدی و همیشگی است که می توان گفت آرمان راهبردی همه انبیاء بوده است. در قرآن کریم آمده است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا و اذکروا نعمة الله علیکم ان کنتم اعداء فالألف بین قلوبکم فأصبحتُم بِنعمة إخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها» (۱)

مسأله اتحاد ملّی و انسجام اسلامی و این شعار زیبایی که از جانب رهبر معظم و حکیم انقلاب برای سال جاری انتخاب شد اولاً اینکه امسال به این نام، نامگذاری شد هرگز معنایش این نیست که جریانی مربوط به یک سال خاص است مثل اینکه سال های قبل هم گاهی به نام مبارک امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نامگذاری می شد، گاهی به نام مبارک سیدالشهداء (ع) و سال



گذشته به نام مبارک پیامبر اعظم (ص) نامگذاری شد. کما اینکه خود رهبر معظم هم در مورد پیامبر بزرگوار همین معنا را مطرح کردند که همه سالها متعلق به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) هست لکن برای اینکه چشم انداز سال برای جامعه مشخص و مسیر حرکت آنها تبیین شود این فلشها و این تابلوها و این نامگذاریها انجام می‌گیرد که جامعه و این کاروان عظیم ارزشی که راه افتاده همچنان با آن اصول و ارزشهای متعالی راهش را ادامه دهد منتها اینکه هر سال به یک نامی هست قطعاً در این ایستگاههای حرکت و مسیری که پیش می‌آید به لحاظ صف‌آرایی‌های دشمنان اسلام و تاکتیک‌ها و روش‌های ویرانگری که آنها در هر زمان برای خودشان انتخاب می‌کنند جامعه اسلامی باید با هوشیاری و آگاهی کامل بتواند این ترندها را شناسایی بکند و پیشاپیش راه‌های دفع و رفع آن را بیاموزد و پیش‌بینی کند و بدیهی است که رهبری نهضت که قلب تپنده‌ی نهضت الهی و نظام اسلامی و عقل هوشیار ملت و مرکز توجه همه افکار هست و انتظار دارند از حنجره‌ی او و از بیان و بنان او و از قلم و تدبیر او بتوانند راه حرکت را انتخاب بکنند و بیاموزند. ضرورت‌هایی که ایجاب کرده امسال از سوی رهبر معظم انقلاب به نام «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامگذاری شود، چند جهت است خود اتحاد ملی و انسجام اسلامی یک اصل قاطع است برای همه زمان‌ها

و همه سال‌ها، و لیکن حرکت موزیانه و ویرانگر دشمن که در سال‌های اخیر تلاش کرده به بهانه‌های مختلف اقوام ایران را که دارای گویش‌ها و نژادهای مختلف هستند و دارای شرایط منطقه‌ای و مرزی خاص خود هستند اینها را تحریک بکند و هر روز با یک داعیه‌ای به خیال خام خود این گروه‌ها را با یک مطالبات علیه نظام اسلامی بسیج بکند. این نامگذاری از سوی رهبری برای توجه دادن همه قشرهای کشور است که زیر پرچم اسلام هستند همه کشور را مال خودشان بدانند. این مملکت کهن و با پیشینه نورانی مربوط به خودشان هست. این وحدت جغرافیایی و دینی و وحدت آرمانی سبب می‌شود که اینها با هم باشند. در عین حالی که تفاوت‌های منطقه‌ای دارند اما همه وابسته به یک مکتب، به یک آئین، به یک آرمان و همه کاروان یک نهضت و یک انقلاب هستند. در بحث انسجام اسلامی هم مقصود این است که تمام کشورهای اسلامی به حکم آیات قرآن و به حکم روایات اسلامی اینها باید اعتصام به حبل‌الله بکنند، به ریسمان الهی چنگ بزنند و با قرآن و مکتب نورانی اسلام بتوانند در برابر دشمنان یکپارچه‌ی قسم خورده علیه اسلام متحد و منسجم شوند. بنابراین شعار از متن قرآن، از متن دین، از یک واقعیت طبیعی کشور که هم مربوط به گذشته و هم مربوط امسال و هم مربوط به آینده است نشأت گرفته ولی اینکه امسال

نامگذاری شده به خاطر دو جهت است یک اینکه هر سال باید یک مشعل فروزانی به عنوان نماد حرکت انتخاب شود، دوم حرکت‌های موزیانه‌ای که دشمن به خصوص در سالهای اخیر به عنوان ابزار با سابقه و نه پوسیده می‌خواهد استفاده کند و به بهانه قومیت‌ها و اختلافات فرقه‌ای بتواند نیروهای خودی را به جان هم بیندازد و به جای اینکه اینها در برابر دشمن با هم یک صف باشند و همه نیروهایشان را علیه دشمن بسیج کنند خدای ناکرده به خاطر جهالت و نادانی صرف تخریب یکدیگر بکنند. این جهاتی است که برای راز نامگذاری امسال به نام «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» به ذهن می‌رسد.

✦ اهمیت این نامگذاری تا چه حد

استراتژیک یا مقطعی است؟

البته ما شکی نداریم که اسلام تاکتیک‌های موقت دارد. در موقعیت‌های مختلف شیوه‌های موقتی که بتواند موقتاً دشمن را زمین‌گیر کند و جامعه اسلامی را یک گام به جلو ببرد دارد. اما در مورد وحدت اینطور نیست. چون وحدت یک اصل ابدی و همیشگی قاطعی است که می‌توان گفت آرمان همه انبیاست. چون قرآن فرموده: «كُلُّ النَّاسِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ قَبْلَ نُبُوءَةِ النَّبِيِّينَ وَفُرُقَتْنِمْ وَنُعَذِّبُهُنَّ وَأُنزِلَ فِيهِنَّ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي أَمْثَلِهَا» (۲)

همیشه اختلاف ویرانگر بوده و وحدت باعث طراوت دلها و انسجام ملت‌ها بوده است. بنابراین ما هرگز به دید یک تاکتیک به آن نگاه نمی‌کنیم ولو حرکت دشمن تاکتیکی است. اما موضع ما یک موضع استراتژیک و همیشگی و یک اصل لا یتغیری است که از دیر زمان قرونی بر این حرکت زیبای اسلامی گذشته است که با وحدت، ملت اسلام می‌تواند آرمانهای خودش را با این عنوان که ملت ید واحد باشد انجام دهد و هر گونه اختلافی که باعث شکستن این قدرت و اقتدار باشد ضد ارزش است. وقتی که مامی بینیم وحدت در همه جا کارساز و اختلاف در همه جا آتش سوزان است نمی‌توانیم به آن به دید تاکتیک موقت نگاه کنیم، بلکه به آن به عنوان یک جریان اصل و استراتژیک کلی که خط اصل اسلامی را ترسیم می‌کند نگاه می‌کنیم.

✦ معورها و معیارهای وحدت

اسلامی را از دیدگاه قرآن بیان

نمایید؟

قرآن یک دیدگاه بسیار روشن، زیبا و جامعی دارد که دو ادعای ایجابی و سلبی است. در مورد ادعای سلبی اش معتقد است که به رغم اینکه کفار گاهی کنار هم قرار می‌گیرند اینها وحدت واقعی ندارند ممکن است اینها به صورت صوری، تاکتیکی و موقت بر حسب منافع مادی کنار هم قرار بگیرند و لیکن با کمترین حادثه‌ای

به جان هم بیفتند.

چون ملاک و شاخص و الگویی برای وحدت ندارند و در وجودشان غرایز طغیانگری وجود دارد که آن غرایز نمی‌گذارد که اینها به منافع یکدیگر فکر نکنند و حاضر باشند، گذشت و ایثار بکنند و اگر گاهی کنار می‌میز مذاکره می‌نشینند به تعبیر امام راحل (ره) که سابقاً شوروی بود ایشان می‌فرمودند آمریکا و شوروی مثل دو تا گرگ مراقب یکدیگر هستند که مستعمرات هر کدام بیشتر نشود و اگر با هم کنار می‌آمدند برای حفظ سهم پنجاه درصدی‌شان بود. بنابراین آنها ملاک وحدت ندارند اگر متحد هم بشوند ادل‌هایشان از هم جداست. ولی اسلام عزیز با شاخص‌ها و ملاک‌های الهی آماده دلها را به هم مرتبط کرده است. یعنی وحدت روحی و وحدت عاطفی که اساس هر گونه وحدت ظاهری است و ندارند.

این تعبیر بلند قرآن که فرموده: «واعتصوا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (۳) این پیام را دارد که به ريسمان خداوند جنگ بزنید و متفرق نشوید. بعد نقطه‌ی مقابلش می‌فرماید «واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء» یعنی آن روزی که با هم دشمن بودید و جنگ‌های خونین صدساله داشتید و لب پرتگاه سقوط بودید که خداوند به برکت اسلام و نبی اکرم (ص) شما را نجات داد. پس نقطه مقابل وحدت، آن تفرقه و عداوت روحی است. اما نقطه مقابل آن عداوت روحی، اخوت اسلامی هست. لذا می‌فرماید

«فاصحبتم بنعمة اخواناً» (۴) شما به برکت اسلام، به برکت الطاف خدا، به دست نبی اکرم برادر شدید.

همانطور که اوس و خزرج جنگهای صدساله داشتند چنان با هم برادر شدند که جلوه‌های زیبا و کم نظیر را از برادری و محبت که در تاریخ بی سابقه است به نمایش گذاشتند. تاریخ اسلام بسیار از این صحنه‌ها را حتی در صحنه‌های جنگ و در آخرین لحظات زندگی مجسم و منعکس کرده است. بنابراین ما باید ببینیم ملاک‌های آن وحدت قرآنی چیست؟ من در جمع بندی چند مطلب را عرض می‌کنم که اولاً خود قرآن عامل وحدت است ثانیاً و مقدم بر آن نام پروردگار و اصل توحید همانطور که اعتقاد به وحدانیت خدا هست باعث وحدت کلمه می‌شود. وقتی انسان یکپارچه دور از هر گونه شرکی زیر تابلوی عبودیت خدا و بندگی یکسره حق قرار گرفت سبب می‌شود که آن وحدت کلمه هم ایجاد شود. پس اول اعتقاد به پروردگار و حبل‌الله که ظاهر آیه‌ی هم به همان توحید است. وقتی ما به روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم این حبل‌الله که توحید است چون باید از صاحبان آدرس این توحید را گرفت می‌بینیم که گاهی مکتب نورانی اهل بیت (ع) منشأ وحدت است. لذا ما معتقد هستیم که غدیر و حادثه غدیر بالاترین عامل وحدت جامعه اسلامی است. اگر ما شرایط را طبیعی ببینیم که طبیعی هم هست، همان حرکت و گامی که علامه امینی برداشت و با

شعار وحدت و اینکه غدیر منشأ وحدت است یعنی ما به برادران اهل سنت می‌گوییم که همین غدیری که شما در نوشته‌های اصلی‌تان و کتب معتبرتان و منابع اصلی‌تان سرشار از این حادثه و بیانگر این تاریخ نورانی غدیر است بیاید با هم زیر این پرچم باشیم. زیر پرچم غدیر متحد شویم و منابع مان هم کاملاً روشن و گواه بر این مطلب است لذا علامه امینی کتاب ۱۱ جلدی الغدیر را به عنوان عامل وحدت نوشت لذا هرگز این امر عامل اختلاف نیست. خود وجود مقدس نبی اکرم (ص) در مرحله دوم بعد از اعتقاد به خدا مهمترین عامل وحدت است که همه فرق اسلامی به این بزرگوار معتقدند و بعد از پیامبر (ص) اعتقاد به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) که جلوه‌گاه این اعتقاد همان حادثه غدیر است. اینها عوامل وحدتی است که از قرآن و منابع دینی استخراج می‌شود.

✦ از دیدگاه شما چه آسیب‌هایی

وحدت اسلامی را تهدید می‌کند؟

عواملی که وحدت را به هم می‌زند گاهی جهالت‌ها و ناآگاهی‌ها هست یعنی وقتی انسان ملاک‌های دینی را ندانست گاهی سراز یکسری حرکت‌های تعصب‌آمیز جاهلی در می‌آورد البته تعصب و پافشاری روی ارزشهای دینی، خودش یک ارزش است. وقتی مادر نهج‌البلاغه می‌بینیم امیرالمؤمنین به سختی با تعصب‌های جاهلانه مبارزه می‌کنند و از آن مذمت می‌کنند ولی در اثناء

خطبه می‌فرماید: «ان کان لابذلکم من العصیة فتعصبوا لکم ارم الاخلاق» (۵) اگر شما ناگزیر از تعصب هستید در برابر ارزشهای اخلاقی و آرمانهای دینی پافشاری کنید یعنی با صلابت بایستید که خراشی به آن وارد نشود. ولی تعصب‌های جاهلی که مبنای عقیدتی ندارد مبنای فکری ندارد مبنای اختلاف مذهبی وجود دارد که اینها اختلاف دیدگاه کارشناسان همیشه بوده و هست.

آن راه حلی که اولیای الهی و اسلام عزیز برای ما قرار داده است این نیست که از راه پرخاش، از راه دشمنی، ناسزاگویی به جان هم بیفتیم بلکه آن چیزی که مسئله را سامان می‌دهد و دلها و افکار را به هم نزدیک می‌کند این است که هر گروهی از موضع منطقی و از موقع فکری خودش دفاع جانانه استدلالی بکند. در این عرصه عظیم در این قرون اخیر یکی از چهره‌هایی که منادی وحدت بود خود امام بودند. امام، همه امت اسلام را دائماً و مکرراً دعوت به وحدت اسلامی می‌کردند اما در عین حال امام افتخارشان را نسبت به مکتب اهل بیت در وصیتنامه‌شان ذکر کردند. بدون اینکه تعرضی به دیگران داشته باشند و افتخارشان را به قرآن، پیامبر (ص)، به صحیفه سجاده فاطمیه، به فقه پر بار امام صادق (ع)، به شخصیت با برکت امام باقر (ع)، به صحیفه سجاده و به تمام این انوار مقدس و مشعل‌های هدایت و چراغ‌های فروزان تاریخ بشریت یک به یک می‌شمارند که نسل‌های

بعدی بدانند این مکاتب افتخارشان این است، رهبران این مکتب به این مسائل می‌بالیدند، بدون اینکه جسارتی به عقاید دیگران بکنند با استدلال و برهان دیگران را دعوت به بحث علمی می‌کردند. لذا در عین حال که باید انسان به آن باورهای دینی و پایبندی‌های خود که مبنای علمی و اسلامی دارد با صلابت و قدرت دفاع بکنند ولی برای اینکه دیگران را دعوت به این ارزشها بکنند باید آنها را هم با احترام دعوت به اسلام بکنند خلاصه اینکه اولاً راه حل را فقط از راه دلیل و برهان و استدلال بی‌جویی بکنند. ثانیاً اینکه به رغم وجود اختلافات مبنایی در فرق اسلامی، اسلام می‌گوید آنها را در جای خودش با بحث حلش کنید و سعی نمایید به یکدیگر نزدیک شوید ولی همین الان هم که اختلافات دیدگاه وجود دارد شما مسلمانید، همه شما کعبه، پیامبر (ص)، قرآن را قبول دارید. بیایید در برابر آن دشمنانی که ذره‌ای به بقای شما فکر نمی‌کنند و دائماً آرزوی زوال شما را دارند و طبق بیان قرآن (ودوا ما عتم) رنج شما را می‌خواهند؟ (قد بدت البغضاء من افواههم) (۶) دشمنی از زبانهایشان آشکار است (و ما تخفی صدورهم اکبر) (۷) آنچه که در سینه‌های کفار از دشمنی مخفی شده به مراتب بالاتر از آن هست که به زبان آشکار می‌کنند در برابر این دشمن پلیدی که جز به نابودی ملت اسلام فکر نمی‌کند و تا امت اسلام تابع آنین‌شان نشود راضی نمی‌شوند، در برابر اینها قد علم کنید و همه دست به دست

هم بدهید. این مبنای اسلام، پیام اسلام است یعنی احترام به عقاید یکدیگر از یکسو، از یک طرف عدم پرخاش، از سوی دیگر اینکه هر کسی از مبنای اش با استدلال دفاع جانانه نماید و اگر در نقطه مقابل انحرافی می‌بیند به حکم آیه قرآن «اذع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن» (۸) بتواند آن اختلافات فرعی و اصلی را حلش نماید.

✦ چگونه است که آموزه‌های قرآن درباره‌ی وحدت در برهه‌هایی از تاریخ نادیده گرفته شده و ما هنوز هم شاهد نزاع در بخشهایی از جهان اسلام هستیم؟

البته من معتقد هستم تا زمانی که روابط دنیای خارج با اسلام نزدیک نبود و این مرزها نزدیک نشده بود، امت اسلام اختلافات‌شان در حدی که یکدیگر را ضایع بکنند و ضربات سنگین بزنند کمتر بود. مشکل بیشتر از آن تاریخی شروع شد که استعمارگران خارجی وارد عرصه مبارزه شدند، مرزها به هم نزدیک شد، منافع نامشروع اجانب در تهدید دنیای اسلام قرار گرفت، و اینها راز غلبه را این دیدند که از ضعف و جهل و ناآگاهی قشرهایی استفاده بکنند و با اختلافات فرقه‌ای که امکان حلش با دلیل و برهان کاملاً وجود دارد آنها را در برابر هم قرار دهند و آن دشمن مشترک بیاید کنار سفره آماده و منافع

نامشروع خودش تاراج بکند و به یغما ببرد، تا حدی که به نتیجه رسیدند این تز و شعارشان که اختلاف بیانداز و سیادت کن را پیاده کنند. لذا نمی‌شود گفت در طول تاریخ این اختلافات خیلی آسیب‌رسان بوده است. ما معتقدیم از آن زمانی که پای استعمارگران به دنیای اسلام باز شد سرآغاز و سرفصل گسترش این دشمنی‌ها شد. ولیکن در زمان گذشته در زمان خودانمه با رهبری عالمانه خیلی از اعضای امت اسلامی که پیرو انمه بودند و سایه به سایه ایشان حرکت می‌کردند گاهی باشیوه تقیه، گاهی با بحث‌های علمی، گاهی با مدارا کردن و محبت، گاهی با رعایت حقوق یکدیگر حل می‌شد و کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و مشکل حادی نداشتند ولی همان زمان هم حکومت‌های اموی، مروانی و عباسی گاهی از رهگذر این اختلافات قومی و مذهبی برای اینکه خودشان حکومت کنند جانب یک طرف را می‌گرفتند و مردم را با آن اختلافات به جان هم می‌انداختند اما آن‌هایی که زیر پرچم اهل بیت بودند به جهت آنکه آن بزرگواران رعایت این مسائل را می‌کردند کمترین حادثه در میانشان پدید می‌آمد. اینقدر که قلم نویسندگان دلسوز و اهانت‌ها و اختلاف‌ها نمی‌تواند مشکلی را حلش بکند بنابراین پیشگویی و پیش‌بینی رهبر معظم به عنوان یک خمیر مایه‌ی و دست مایه‌ی برای تمام مراکز علمی، آموزشی، پژوهشی و انسانی که به اعتلای اسلام فکر می‌کنند، انسانی‌هایی

که نمی‌خواهند استعمارگران بر هیچ کشوری مسلط شوند این سیر وحدت و این معیار وحدت عالی‌ترین عاملی است که می‌تواند دشمن را زمین‌گیر کند و دشمن را ناکام و مأیوس بکند و امت اسلام را هر چه بیشتر عزتمند و توانمند کند و برای مقابله با دشمن خارجی و حل مشکلات داخلی خودشان آماده نماید. لذا ما الان می‌بینیم در این جنگ‌های خونینی که در عراق و افغانستان رخ می‌دهد مصلحان جامعه دستی ندارند، انسانهای متدین، انسانهایی که پیغمبرشناس، قرآن‌شناس و تابع این مکتب هستند اینها هرگز این حرکت‌های مودیانه‌ای که توسط خارجی‌ها و عمال داخلی و فریب‌خوردگان داخلی‌شان انجام می‌گرفت هیچکدام تأیید نمی‌کنند چون این خلاف قرآن و خلاف منطق دین است که برادرهای اسلامی به جان هم بیافتند و یکدیگر را ضایع کنند.

✦ با توجه به اهمیت مساله وحدت اسلامی، چه میزان این مساله نوسدا عالمان و متفکران اسلامی تبیین شده و در این زمینه کتاب به رشته تحریر در آمده است؟

البته من معتقدم که عالمان روشن‌بین و متفکر بویژه در این قرون اخیر ترغیب دشمن را شناختند و توانستند خیلی معتدل و دور از هرگونه افراط و تفریطی در معنای

وحدت خط اصلی را ترسیم کنند یکی از قهرمانان این صحنه را بعد از علامه امینی، شهید بزرگوار علامه مطهری (ره) می دانیم که خوشبختانه این سوره وحدت در نوشته های ایشان فراوان وجود دارد و من همه عزیزان را به آثار علامه مطهری (ره) ارجاع می دهم که معنای وحدت و راه های تحقق آن را بیابند و هر گونه اختلاف فرقه ای را که آسیب رسان است از طریق این آثار شناسایی کنند بدیهی است که بر فراز تفکر شهید مطهری، سخنان و نوشته های امام فرزانه که استاد ایشان بودند قطعاً مشعل فروزانی است. همچنین رهنمودها و سخنان رهبر معظم انقلاب بسیار کارگشاست که افراد می توانند به سخنرانی ها و آثار ایشان رجوع کنند و مرور نمایند و مرز دقیق وحدت اسلامی را به حکم قرآن و منابع دینی باز یابند و باز شناساند.

۱۰۱۰۰۰۰

۱. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۳

۲. سوره ی بقره، آیه ی ۲۱۳

۳. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۰۳

۴. همان

۵. نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ح ۳

۶. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۱۸

۷. همان

۸. سوره ی نحل، آیه ی ۱۲۵